

احزاب سیاسی ایران

محمود نفیسی

جنبش های زنان در دوره محمد رضا شاه از سال ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲



جنبش های زنان در ایران

با اینکه خلع و تبعید رضاشاه به حکومت بیست ساله ترور و خفقان پایان داد، ولی نظام شاهنشاهی سرنگون نگشت. بدون شک با خلع رضاشاه و برکناری دار و دسته اش، ارتجاع از نظر سیاسی ضعیف تر شده و توده های مردم به بعضی از آزادی های سیاسی و دموکراتیک خود - البته بطور نسبی - نایل آمدند. بلافاصله زندانیان سیاسی آزاد شدند و با فرا رسیدن

سال ۱۳۲۱، اکثر تبعیدی ها به خانه های خود برگشتند و آزادی مطبوعات، تشکیل و فعالیت سازمان ها و احزاب سیاسی رواج پیدا کرد و مراکز ملی و دموکراتیک شروع به رشد کرد. (۱) در این دوره بعضی از جنایات دوره رضاشاهی افشا شد و قاتلان و شکنجه گران زندان های رضاشاه مثل احمد احمدی، که با تزریق آمپول تیفوس، مبارز نامداری چون تقی ارانی را به هلاکت رسانده بود، به دادگاه کشیده شدند.

همچنین مجلس شورای ملی دوره سیزدهم مجبور شد به دلیل فشار مردم و اعتراضات وسیع توده ای، املاک اختصاصی را به صاحبانش برگرداند و حتی با وجود مخالفت دربار، خواستار محاکمه مسئولین شهربانی شد. (۲)

حزب زنان ایران

یکی از وقایع بی نظیر دوره آزادی های دموکراتیک (۱۳۳۰-۱۳۲۰)، تشکیل «حزب زنان ایران» در سال ۱۳۲۲ بود.



جمیله صدیقی



هاجر تربیت



فاطمه سیاح

نتیجه، دکتر فاطمه سیاح به عضویت هیأت مدیره آن انجمن انتخاب شد. یک سال بعد، در سال ۱۳۲۳، وقتی تحت تأثیر افکار آن انجمن مجله «پیام نور» منتشر شد، دکتر فاطمه سیاح از طرف حزب مورد حمایت قرار گرفت تا عضویت هیأت تحریریه «پیام نور» را بپذیرد. در سال ۱۳۲۳، «حزب زنان» بعضی از رهبران خود از جمله هاجر تربیت را به ترکیه فرستاد تا در کنفرانس حقوق زنان شرکت کند. چندی بعد در اوایل سال ۱۳۲۴، حزب، صفیه فیروز را به نمایندگی از طرف شورای زنان به پاریس فرستاد تا در کنگره «زن و صلح» شرکت جوید. در این سفر، عضو دیگر حزب، دکتر فاطمه سیاح که به زبان فرانسه تسلط کامل داشت، صفیه فیروز را همراهی کرد. (۶) در سال ۱۳۲۵، «نخستین کنگره نویسندگان ایران»، یکی دیگر از گردهمایی‌های مهم این دوره، توسط حزب زنان ایران برگزار شد. فاطمه سیاح نماینده حزب در این کنگره بود که خطابه اش تحت عنوان «وظیفه انتقاد در ادبیات» مورد تشویق و ستایش اکثر شرکت کنندگان در کنگره قرار گرفت. «حزب زنان ایران» تا اواخر سال ۱۳۲۶ (۱۹۴۷) به فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و علمی خود ادامه داد و در زمینه کمک به پیشبرد امر تحصیلی و اخذ حقوق زنان خدمات مهمی

وزارت دادگستری اجازه رسیدگی به امور زندان زنان را کسب کند. پس از دریافت این اجازه، حزب موفق شد که توسط فاطمه سیاح، که عضو دبیرخانه و منشی اصلی حزب بود، و نیز همکاری فعالانه نزهت جهانگیر، به چگونگی وضع زنان زندانی رسیدگی کند. در عرض یک سال این حزب توانست برای زنان زندانی کلاس‌های درس و نیز کارگاه آموزش کارهای دستی دایر سازد. فروغ حکمت طی مقاله ای در شماره دی ماه ۱۳۲۴ مجله «حزب زنان ایران» فعالیت‌های حزب را در زمینه کمک به زنان بطور مفصل مورد بررسی قرار داده و خاطر نشان ساخت که حزب تحت رهبری افرادی مثل نزهت جهانگیر، خدماتی بسیار مهم و سودمند برای این «ستم زدگان بینوا» انجام داد. (۵) حزب زنان ایران دو سال پس از تأسیس خود روابط بسیار نزدیکی با انجمن‌ها و سازمان‌های مترقی فرهنگی و علمی، در داخل و خارج ایران، برقرار ساخت و بدین وسیله توانست اعضای خود را با فرهنگ و عقاید و دست‌آوردهای زنان کشورهای دیگر آشنا سازد. در سال ۱۳۳۲، هنگامی که «انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی» در تهران تشکیل شد، «حزب زنان» اعضای خود را به همکاری و حتی عضویت در آن انجمن تشویق کرد. در

تاریخ مبارزات زنان ایران در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی، بویژه در بخش فعالیت‌های مطبوعاتی و ادبی، به سال‌های دوران انقلاب مشروطیت و حتی پیش از آن می‌رسد. در شماره‌های گذشته به بررسی کم و کیف نقش و اهمیت مبارزات زنان در جنبش‌های بخش مردم ایران پرداخته شد ولی «حزب زنان ایران» اولین حزب سیاسی زنان در تاریخ ایران به شمار می‌رود که دارای برنامه اجتماعی، سیاسی و همچنین چارچوب تشکیلاتی بود. (۳)

رهبران و فعالان «حزب زنان ایران» عبارت بودند از هاجر تربیت (ادیب و روزنامه‌نگار)، فخری قویمی (نویسنده و پژوهشگر) که بعدها کتابی تحت عنوان «کارنامه زنان مشهور ایران» را به رشته تحریر در آورد. فاطمه سیاح (استاد دانشگاه و صاحب کرسی سنجش ادبیات زبان‌های خارجی)، فروغ حکمت (یکی از فعالین جنبش زنان در ایران و نویسنده پرکار مجله «حزب زنان ایران»)، زهرا خانلری (نویسنده و پژوهشگر)، که بعدها از کارکنان و نویسندگان مجله «سخن» شد و سیمین دانشور، نویسنده و مترجم مشهور. (۴) در سال ۱۳۲۳، رهبری حزب زنان موفق شد که با استفاده از توسعه آزادی‌های نسبی، از



نجمی علوی



زهرا خانلری



سیمین دانشور

تشکیلات زنان دارای نشریه ای بود به نام «بیداری ما» که صاحب امتیاز آن خانم زهرا اسکندری بود که بعداً درباره آن خواهیم نوشت. به دنبال غیرقانونی شدن حزب و سازمان های وابسته به آن، «تشکیلات دمکراتیک زنان» نیز منحل شد. ولی چندی پس از بهمن ۱۳۲۷، حزب توده دوباره تشکیلات زنان خود را سازماندهی کرد و تشکیلات جدید تحت عنوان «سازمان زنان ایران» به فعالیت پرداخت. نخستین مسئول سازمان زنان ایران هما هوشمند راد بود.

عضویت، «تشکیلات دمکراتیک زنان» را پدید آورد. از جمله فعالین این تشکل، زهرا اسکندری (خواهر سلیمان میرزا)، بدری علوی، مهرانگیز علوی، مریم فیروز، عالیه شرمینی، هما هوشمند راد، اعظم سروش، صفا حاتمی، جمیله صدیقی و خانم وزیری را می توان نام برد. «تشکیلات دمکراتیک زنان» پس از مدتی به عضویت فدراسیون بین المللی زنان دمکرات درآمد. مریم فیروز که از قدیمیترین زنان حزب به شمار

را ارائه کرد. مجله «زنان ایران» ارگان حزب زنان بود که توسط هاجر تربیت و با همکاری جدی و نزدیک زهرا خانلری، فروغ حکمت، سیمین دانشور و ژاله اصفهانی - شاعر سرشناس - تا اوایل سال ۱۳۲۶ - بطور نسبی مرتب - و با قطع ۱۴ در ۲۰ در تهران منتشر شد. این حزب پس از پایان جنگ جهانی دوم و آغاز دوره «جنگ سرد» و در گذشت نابهنگام فاطمه سیاح در سراشیب نزول و ریزش قرار گرفت. (۷)

در سال ۱۳۲۵، «نخستین کنگره نویسندگان ایران» توسط حزب زنان ایران برگزار شد. خطابه فاطمه سیاح، نماینده حزب در این کنگره، تحت عنوان «وظیفه انتقاد در ادبیات» مورد تشویق و ستایش اکثر شرکت کنندگان در کنگره قرار گرفت.

مجله بیداری ما
این نشریه که ماهنامه بود، در تیر ماه ۱۳۲۳ شمسی با مدیریت زهرا اسکندری بیات در تهران انتشار یافت. تشکیلات زنان طبق برنامه چهار هدف عمده داشت:

- ۱- بیداری زنان، با انتشار کتب، مقالات سودمند و نشان دادن حقوق اجتماعی شان به آنها.
- ۲- متشکل ساختن زنان ایران با یکدیگر تا با اتحاد و هم فکری و وحدت تشکیلاتی حقوق خود را مطالبه کنند.
- ۳- مبارزه با افکار پوسیده کسانی که می خواستند زنان را در زنجیر نگه دارند.
- ۴- مطالبه قانون هایی که حقوق زنان را

می رود، در خصوص پیوستن خود به حزب و تشکیلات دمکراتیک چنین نوشته است: «وقتی بزرگ علوی شوق و شور مرا درباره این موضوع دید پیشنهاد کرد که مرا با تشکیلات زنان آشنا کند. در هر حال من به همراه ایشان به منزل «زهرا اسکندری» رفتم و خوب، سایر خانم ها هم حضور داشتند. ضمناً متذکر شوم که خواهران علوی به گرمی از من استقبال کردند.» (۸)

بعد از حادثه معروف سوء قصد به جان محمدرضا شاه (در صحن دانشگاه، در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷)، این حزب نیز مانند بسیاری از احزاب، سازمان ها و انجمن های مترقی متلاشی شد و اعضای آن هر یک به راه خود رفتند.

تشکیلات دمکراتیک زنان
در ابتدا، حزب توده ایران به منظور سازماندهی زنان و دختران عضو و متقاضی

- ۲ - توسعه فرهنگ مبارزه با بیسوادی زنان
- ۳ - متشکل نمودن زنان
- ۴ - مبارزه با فحشا و فساد اخلاق
- ۵ - مبارزه علیه استثمار زنان و دختران خردسال در کارخانه ها، استقرار ساعت کار برای زنان کارگر، استفاده از تعطیلات جمعه و اعیاد و مرخصی سالانه با دریافت حقوق ، تساوی دستمزد کارگران زن و مرد
- ۶ - منع کار اطفال کمتر از چهارده سال
- ۷- استفاده زنان کارگر و مستخدم از مرخصی، با دریافت حقوق در دوره وضع حمل (حداقل دو ماه)
- ۸ - تأسیس کودکانستان های مجانی برای فرزندان زنان کارگر و مستخدم
- ۹ - تأسیس کارگاه ها برای دختران بی بضاعت
- ۱۰- تأسیس کلوپ، قرائت خانه و

جنوب شهر برویم، اتحادیه لیسانسیه ها، عشق او، چند شعر از صائب تبریزی، بارگاه داد، قلب مهربان، جلسه عمومی تشکیلات زنان، وزارت فرهنگ مرکز خرافات، انشاءالله گربه است ، نمایندگان اتحادیه کارگران شوروی در ایران، اخبار خارجه، اخبار داخله .

تشکیلات زنان و بیداری ما

نگارنده در مقاله ای تحت عنوان «تاریخچه مطبوعات ایران» درباره این تشکیلات زنان چنین نوشته است : «در تیرماه ۱۳۲۲ تشکیلات زنان توسط عده ای از بانوان روشنفکر و ترقی خواه تأسیس گردید. اصول اساسی تشکیلات زنان ایران به شرح زیر است:


۱ - مبارزه برای به دست آوردن حقوق اجتماعی و سیاسی زنان، با برگزاری کنفرانس ها و سخنرانی ها



تضمین می کرد و آن ها را آزاد می ساخت. جمله : «ما هم در این خانه حقی داریم» به عنوان شعار مجله انتخاب شده بود که روی جلد هر شماره از مجله و آن هم در بالای یک خط قرمز، دیده می شد. در وسط ، نام «مجله بیداری ما» و زیر آن شماره مجله - با حروف درشت - و پس از آن ، سال انتشار مجله قید شده بود. در سمت چپ روی جلد، در انتهای صفحه نوشته شده بود : «ارگان تشکیلات زنان»، که با خطی قرمز در زیر آن این نوشته مشخص تر می شد. فهرست مندرجات شماره دو، از سال دوم، که در مرداد ماه ۱۳۲۴ انتشار یافت از این قرار بود : مبارزه امروز ما، ائتلاف حزب زنان و تشکیلات زنان و جبهه آزادی ، مختصری در احوال شادروان طوبی آزموده ، پاکي جان حجاب زن باشد (اثر ژاله؛ شاعر جوان) ، انتظار ما از مردان آزادی خواه ، به تو مهربان من، به تماشای

شعر حافظ همیشه بیت الغزل معرفت است

بهترین هدیه برای دوستداران فرهنگ و ادب پارسی

شرح ده غزل برگزیده
"خواجه شیراز"



Ashena Media, Inc.
Persian Teaching Company

281-638-6688
www.ashenamedia.com



مریم فیروز

کتابخانه برای زنان

۱۱- تأسیس روزنامه و مجله نسوان؛ که براساس همین ماده ۱۱، تشکیلات زنان در تیرماه ۱۳۲۳ مجله «بیداری ما» را به صاحب امتیازی و مدیریت بانو زهرا اسکندری بیات (دختر محسن میرزا اسکندری) منتشر ساخت. نامبرده که از لیسانسیه های دانشسرای عالی بود، علاوه بر اینکه عضو هیأت عامل تشکیلات زنان به شمار می رفت، عضویت جبهه آزادی را نیز داشت و بخاطر همین مجله عضو جبهه آزادی بود و این مطلب در پشت جلد مجله نیز آمده بود. زهرا اسکندری عضو انجمن «طرفداران حقوق زن» نیز بود. اعضای کمیته مرکزی «تشکیلات زنان» عبارت بوده اند از: پدرام کمالی، زهرا اسکندری، عالیہ شرمینی، بدرمنیر علوی، ملیحه صابری، همایون تاج اسکندری، دکتر خدیجه کشاورز، شاه زنان وزیر، شوکت کبادی، محترم کیمرام، آزاد فرنی، اعظم سروش، مریم فیروز، دکتر اختر کامبخش، جمیله صدیقی. در شماره نهم از سال اول، خانم مریم فیروز (فرمانفرمائی) کتاب «خواهران و دختران» کسروی را مورد بررسی قرار داده و پس از تشکر از نویسنده به مناسبت ادله ای که به منظور رد خرافات آورده اند، ایراداتی به نوشته نویسنده گرفته

و در پایان رو به مردان کشور کرده و چنین نوشته است: زن کنیز و آشپز بس است، زن برده بس است، این است نتیجه سال ها بردگی خواهران و دختران شما ... ما بالاتر و بزرگتر از هر چیز، نمی خواهیم به جسم زن اسم سرمایه گذاشته شود... ما سرمایه او را در فهم او، استعداد او و شخصیت او می دانیم. ما خواهران و دختران آن مردانی هستیم که در راه آزادی و گرفتن حق ما می کوشند و نمی توانیم در لاف این کلمات دل فریب، کنیز و برده باشیم. (۹)

یرواند ابراهامیان پژوهشگر نامدار، می نویسد: گرچه رهبران حزب اغلب از این مسأله ناراحت بودند که حزب زنان اندکی را جذب کرده است و با وجود آنکه کمتر از سه چهارم درصد اعضای عادی حزب را زنان تشکیل می دادند، این حزب تنها سازمان سیاسی کشور بود که همواره زنان را بسیج و در راه حقوق آن ها سرسختانه مبارزه می کرد. تشکیلات زنان حزب حقوق سیاسی و اجتماعی برای همه شهروندان - بدون در نظر گرفتن جنسیت - برگزاری کلاس های سواد آموزی، ایجاد باشگاه های آموزشی برای زنان، مزد برابر برای کار برابر و ایجاد مدارس بیشتر برای دختران را - علیرغم آنکه مقامات مذهبی برای بستن مدارس موجود تلاش می کردند - خواستار بود. مطبوعات حزب همواره استدلال می کردند که اصلاحات فاشیستی رضاشاه نامناسب و هدف از آن نه برابری حقیقی، بلکه نگه داشتن زنان در خانه ها به عنوان همسر، مادر، خانه دار و آشپز بود. در مجلس چهاردهم، نمایندگان حزب با طرح قانون انتخاباتی جدید که در آن زنان هم حق رأی داشتند غوغائی برپا کردند. همچنین حزب با برگزاری کنگره های زنان، درخواست برابری کامل زن و مرد، گردآوری بیش از یکصد هزار امضاء برای

حمایت از گسترش حق رأی و تشویق زنان به نادیده گرفتن قانون انتخابات و شرکت در همه پرسی سال ۱۳۳۲ علیه شاه بود که مشکلات و دردسره های بسیاری را هم برای دولت مصدق فراهم ساخت. (۱۰)

ادامه دارد

پانویس

- ۱- برای آگاهی درباره اوضاع اجتماعی و سیاسی این دوره رجوع کنید به «بحران دموکراسی در ایران ۱۳۲۲-۱۳۲۰»، فخرالدین عظیمی، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، بیژن نوزدی، تهران، ۱۳۷۲. محمدعلی همایون کاتوزیان «اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی»، ترجمه محمدرضا نفیسی، کامبیز عزیزی، تهران ۱۳۷۳
- ۲- رجوع کنید به روزنامه ستاره، ۲۷ مهر ۱۳۲۰. روزنامه نجات ایران، ۴ تیر ۱۳۲۱. مرد امروز، ۲۴ تیر ۱۳۲۳ و آذیر، ۱۶ شهریور ۱۳۲۳
- ۳- درباره برنامه های اجتماعی و سیاسی این حزب رجوع کنید به «اسناد و مدارک حزب زنان ایران»، احزاب سیاسی ایران (۱۳۳۰-۱۳۲۰) در ۲ جلد، به کوشش بهروز طیرانی، ۱۳۷۶، ص ۷۰-۶۵
- ۴- محمد گلبن، گردآورنده «نقد و سیاحت»، مجموعه مقالات و تقریرات دکتر فاطمه سیاح، تهران، ۱۳۵۴
- ۵- مجله «عالم زنان»، سال اول، شماره اول، تیرماه ۱۳۲۳ و مجله «حزب زنان ایران»، شماره ۱ دی ۱۳۲۴
- ۶- روزنامه اطلاعات، ۱۶ اسفند ۱۳۲۶
- ۷- ابوالحسن احتشامی «شکوفه های ذوق و ادب»، بدون ذکر مکان چاپ، ۱۳۲۶. درباره تأثیر مرگ نابهنگام دکتر فاطمه سیاح بر روی زنان فعال روشنفکر، رجوع کنید به آرین پور و همان جا؛ هاجر تربیت: «کشور ما یکی از بزرگترین و دانشمندترین زنان عصر حاضر را از دست داد»، روزنامه اطلاعات، ۱۶ اسفند ۱۳۲۶
- ۸- خاطرات مریم فیروز، تهران، دیدگاه، ۱۳۷۳، ص ۴۵
- ۹- محمود نفیسی، مجله تحقیقات روزنامه نگاری، شماره های ۲۲ و ۲۳
- ۱۰- یرواند ابراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی، محمد ابراهیم فتاحی، چاپ دوم، ۱۳۷۲، ص ۴۱۳